

آثار معادباوری در زندگی انسان

<?xml encoding="UTF-8?">

1. تغییر نوع نگاه انسان به زندگی و هدف از آن

انسان باورمند به معاد، در حقیقت، به وجود دنیایی گسترده تر از عالم ماده معتقد است که در آن، نعمت ها و عذاب هایی به مراتب بزرگ تر وجود دارد که زمان و مکانی برای آن متصور نیست. در اندیشه انسان باورمند به معاد، سرایی بالاتر و بزرگ تر از این سرای مادی وجود دارد. بنابراین، در دیدگاه او این دنیا سرای فانی، محدود و گذرا و آخرت، سرای باقی و نامحدود است که انسان در آن برای همیشه جاویدان است. در قبال این اندیشه، اندیشه کسانی وجود دارد که به زندگی اخروی اعتقاد ندارند و مرگ را پایان زندگی آدمی می دانند. در باور چنین افرادی، انسان، با مرگ به مرداری تبدیل می شود که در اندک زمانی گرد فراموشی بر آن می نشیند و پرونده زندگی اش برای همیشه بسته می شود.

این دو دیدگاه متفاوت درباره زندگی و جهان، در نوع برداشت انسان از سعادت و رستگاری که هدف همگان از زندگی است و نیز در نوع چگونه زیستن او نقش اساسی دارد. آنان که زندگی را به حیات دنیوی منحصر می دانند و به تعبیر قرآن کریم: «تنها ظاهری از سعادت دنیوی را می دانند و از آخرت غافلند» (روم: 7)، به ناچار سعادت را به سعادت دنیوی و بهره مندی از لذت های زودگذر آن تفسیر خواهند کرد و آنان که حیات جاودان اخروی را پذیرفته اند و به زندگی دیدی عمیق تر دارند و نیز به سعادت و رستگاری اخروی و رشد و تکامل معنوی توجه می کنند، زندگی خود را به آن مسیر هدایت می کنند. برای آنان دنیا به منزله کشتزار آخرت است و در کنار بهره مندی از نعمت های آن، برای حیات جاودان خویش نیز بذر سعادت می کارند. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: همانا دنیا نهایت دیدگاه کوردلان است که آن سوی دنیا را نمی نگرند، ولی نگاه انسان آگاه، از دنیا عبور می کند و از پس آن، سرای جاویدان آخرت را می بیند. پس انسان آگاه، به دنیا دل نمی بندد و انسان کوردل همه توجهش دنیاست. بینا از دنیا زاد و توشه برمی گیرد و نابینا برای دنیا توشه فراهم می کند. [1]

2. معنادار و هدفمند ساختن زندگی

انسان از یک سو حب جاودانگی و در دل آرزوی ماندگاری ابدی و زندگی جاوید دارد و از سوی دیگر زندگی دنیوی را محدود و گذرا می یابد. این دو دیدگاه ناسازگار، ممکن است وی را به پوچی سوق دهد، ولی آنکه به آخرت و زندگی جاوید باور دارد، مرگ را انتقال از جهانی به جهان دیگر می شمارد، نه نیستی و نابودی. بنابراین، برای تلاش و فعالیت، انجام اعمال صالح و تحمل دشواری ها و مصیبت ها انگیزه کافی دارد و هیچ گاه در فراز و نشیب زندگی احساس پوچی و سرگشتگی نمی کند. [2]

در قرآن کریم نیز به رابطه نفی زندگی پس از مرگ با بیهوده دانستن زندگی از قول منکران معاد اشاره شده است، چنان که در آیه ای می خوانیم: «دنیای ما جز این زندگانی چیزی نیست، می میریم و زندگی می کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد.» (مؤمنون:)

براساس این آیه، باور نداشتن به معاد و بازگشت به سوی خداوند، به معنای بیهوده پنداشتن آفرینش و به تبع آن، فرو غلتیدن در دام پوچی است. به عبارت دیگر باور نداشتن به معاد، فرد را به باوری غلط در حوزه اندیشه می کشاند که همین جهان بینی او، رویکردی نادرست را در حوزه اندیشه در پی خواهد داشت و ظهور نحلّه های نهیلیستی در غرب را می توان نمونه بارزی از پی آمدهای همین باور برشمرد.

3. امنیت و آرامش روانی

روان شناسان، ترس از نیستی را از مهم ترین عوامل اضطراب و برهم خوردن آرامش روانی انسان می شمارند. مرگ برای آن دسته از افرادی که مرگ را پایان زندگی می دانند، از جنبه های گوناگونی موجب ترس است. تصور نیستی از مرگ، نامعلوم بودن زمان آن، ناشناخته بودن و تجربه نداشتن از آن و تنها روبه رو شدن با آن از جمله عوامل ترس از مرگ یا شدت یافتن این ترس نزد این عده از مردم است. اگر کسی معاد را باور داشته باشد و حقیقت مرگ را بشناسد، از مرگ نخواهد هراسید. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست و زندگی حقیقی، همانا در سرای آخرت است. ای کاش می دانستند!» (عنکبوت: 3)

نقل است از امام جواد (ع) دلیل ناخوشایندی مرگ در مذاق انسان را پرسیدند. حضرت پاسخ فرمود: چون به آن جهل دارند، آن را ناخوش می شمارند و اگر می شناختند و از دوستان خدا بودند، بدان محبت می ورزیدند و می دانستند آخرت برای آنان بهتر از دنیاست. [3]

بر پایه این اعتقاد، شناخت درست از مرگ و زندگی پس از مرگ، مایه امنیت و آرامش روانی است.

4. کنترل غرایز و پرورش فضیلت های اخلاقی

غریزه ها، از مهم ترین موهبت های الهی به انسان و منشأ تحرک و فعالیت است، ولی آزادی بی قید و بند غریزه ها و شهوت ها با تعالی معنوی و تکامل انسان و سلوک الی الله ناسازگار است. ازاین رو، خداوند در کنار غریزه ها، انسان را از گوهر گران بهای عقل بهره مند ساخته است؛ نیرویی که می تواند انواع غریزه های افسارگسیخته را لجام زند و کنترل کند. با وجود این، گاه عقل انسان ضعیف می شود و به تعبیر زیبایی امام علی (ع) «شهوت ها پرده خرد را می درند.» [4] «و بسا خرد اسیر فرمان هواست.» [5] باور به معاد، عامل مهمی است که می تواند عقل را از اسارت هواهای نفسانی رهایی بخشد و در نتیجه، انسان، به رهبری و کنترل غریزه های خویش موفق شود. اعتقاد به حیات بازپسین و معاد و ایمان به روز جزا و عقاب و ثواب، انسان را از پیروی هوا و هوس باز می دارد و غرایز سرکش انسان را مهار می کند. در پرتو کنترل غریزه و مهار هوا و هوس است که فضیلت های اخلاقی پرورش می یابد، ویژگی های پسندیده قوّت می گیرند و ویژگی های ناشایستی چون ریاست طلبی، مال دوستی و خشم بی معنا می شوند و انسان از رذیلت های اخلاقی دور می شود. آن که بازگشت به سوی حق تعالی را باور دارد، اهل مکر و خیانت و نیرنگ نیست و فضیلت های اخلاقی در او زنده می شود.

5. انجام دادن اعمال صالح و پرهیز از اعمال ناشایست

کسی که به زندگی اخروی و حساب رسی اعمال و ثواب و عقاب ایمان دارد، احساس مسئولیت در او زنده می شود و به رستگاری و وظیفه شناسی رو می آورد. چنین انسانی می داند هر کاری انجام دهد، باید در جهان آخرت پاسخ گوی آن باشد. ازاین رو، هرگز گرد گناه نمی گردد و فکر گناه و نافرمانی حق تعالی را از خود دور می کند.

در آیاتی از قرآن کریم به نقش انکار معاد در ارتکاب گناه و نافرمانی خداوند اشاره می شود، از جمله در آیه ای می خوانیم:

وای بر کم فروشان که چون از مردم پیمانه بستانند، تمام ستانند و چون برای آنان پیمانه وزن کنند، به ایشان کم دهند. مگر آنان گمان نمی دارند که برانگیخته خواهند شد؟ (مطففین: 1 تا 4)

براساس این آیه، ایمان به قیامت، در ترک ستم و غصب حقوق مردم و خیانت، اثر بازدارنده دارد، چنان که خداوند در آیه 1 تا 3 سوره ماعون می فرماید:

آیا کسی را که [جزا را دروغ می خواند، دیدی این همان کسی است که یتیم را به سختی می راند و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی کند.

در روایت ها نیز به تأثیر باور به معاد در انجام اعمال صالح و ترک گناه اشاره شده است، چنان که امام علی (ع) می فرماید: «آگاه باشید که شما در روزگار مهلت هستید! پس کار نیک انجام دهید؛ زیرا خداوند سرانجام نیک را به نیکوکاران وعده داده است.» [6] یا در کلامی دیگر می فرماید: «کوشش و همت خود را برای آخرت صرف کن، اصلاح می شوی.» [7]

6. حفظ سلامت جامعه

اعتقاد به معاد، در عرصه اجتماعی انسان نیز آثار ارزشمندی دارد. از مهم ترین آنها می توان به ضمانت اجرای قوانین الهی و عمل به تکالیف اجتماعی، رعایت حقوق دیگران و جلوگیری از ستم و تجاوز و به عبارت دیگر برقراری عدالت اجتماعی اشاره کرد. آن که به قیامت و حساب رسی اعمال باور دارد و خود را در مقابل پروردگارش مسئول می شمارد، به قوانین الهی ملتزم و پای بند خواهد بود و اگر همه افراد جامعه چنین باشند، جامعه به سوی صلاح و رستگاری گام برخواهد داشت؛ زیرا همگان وظیفه الهی انسانی خویش را به شکلی شایسته انجام می دهند و آثار این امر در عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی آشکار می شود. در چنین جامعه ای همگان به حقوق هم احترام می گذارند و از ستم می پرهیزند. در چنین جامعه ای ایثار، احسان و دیگر فضیلت های اخلاقی زنده و فضای الهی و معنوی بر آن حاکم می شود. در یک جمع بندی، معادباوری از انجام وظایف الهی فرد آغاز می شود که همان ترک محرمات و انجام واجبات است. تهذیب یک فرد، به تهذیب خانواده و تهذیب جامعه می انجامد. جامعه ای که افراد آن از گناه، پلیدی، ریا و دیگر ویژگی های ناپسند دوری می کنند، جامعه ای مذهب است.

پی نوشت ها :

[1]. ترجمه نهج البلاغه، خطبه 133، ص 132.

[2]. نک: معاد از نظر جسم و روح، صص 43 تا 46.

[3]. ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، معانی الاخبار، ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی، دار الکتب الاسلامیه، 1372، ج 1، ص 2، ص 199.

[4]. ترجمه نهج البلاغه، خطبه 109، ص 104.

[5]. همان، کلمات قصار، ص 397، ش 211.

[6]. محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، الارشاد، ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر

فرهنگ اسلامی، 1383، چ 6، ج 1، ص 332.

[7]. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم، دارالحديث، 1377، ج 1، ص 59، ح

134.